

راجع بقانون تقاعد که فرمودید ما حقوق تقاعدی چیزی نمیدیم و مربوط به ما نیست که چه چیزی کم کنیم حقوق تقاعدی و مستمری با مالیه است و باینکه مجلس شورای ملی تصویب کرده است هنوز چیزی داده نشده است .

اما از حقوق اشخاص چارصدی هشت کم میشود چون تادوسیه پرسنلی اشخاص بمالیه نرود در آن دقت نکنند آن کسر حقه را قبول نکنند .

پارسال مالیه قرار گذاشت که از همه صدی ۷ ونیم کسر شود تا هر کس دوسیه اش رفت بمالیه و رسیدگی شد مطابق حقیق کسر شود و همینطور متدرجاً ستاده شده آنها که بمالیه رفته موافق قانون حقتشان کسر میشود یعنی صدی شش صدی ۵ ونیم ولی آنها تیکه دوسیه شان بمالیه نرفته است باید متدرجاً تکمیل شود که موافق قانون کسر شود اگر از کسی هم زیاد بگیرند بعد با او حساب خواهد شد ولی در وزارت پست و تلگراف غالباً باید صدی ۷ ونیم بدهند برای اینکه سابقه خدمتشان بقدری زیاد است که باید صدی ۷ ونیم کسر شود با آن صدیک معاف صدی ۸ ونیم میشود .

رئیس - آقایانیکه رأی نداده اند تشریف ببرند رأی بدهند اگر اجازه می - فرمائید جلسه ختم شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - جلسه آینه روز یکشنبه ۳ ساعت ونیم وقبل از ظهر .

بعضی از نمایندگان - عده کافی نیست که رأی گرفته شود برای ۳ قبل از ظهر موضوع مذاکرات اولاً راپرت کمیسیون عدلیه راجع باختیارات آن کمیسیون .

ثانیاً راپرت کمیسیون تجارت راجع بعلامت صنعتی

ثالثاً بیستهاد شاهزاده شیخ الرئیس . رابعاً راپرت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح آقای دامغانی .

آقای داور (اجازه)

داور بنده در دستور عرض داشتم . رئیس - بفرمائید

داور بنده میخواستم عرض کنم که ۳ راپرت در کمیسیون قوانین مالیه تهیه شده بود یکی راجع است بمالیات برعایدات خواستم تقاضا کنم راپرت مالیات برعایدات جزء دستور جلسه آتی شود

رئیس - اگر وقتی باشد در درجه پنجم راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات برعایدات .

آقای شریعتمدار (اجازه)

شریعتمدار - عرضی ندارم رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمودولی میرزا شیخ الرئیس - عرایض بنده گفته شد

رئیس - آقای محمودولی میرزا (اجازه)

محمودولی میرزا - خواستم عرض که لایحه عواید عوارض ورودی بلدی که راپرتش از کمیسیون قوانین مالیه داده شده بود چه دستور جلسه آتی شود

رئیس - گویا هنوز کمیسیون قوانین مالیه جدید راپرت نداده است

محمودولی میرزا - همان راپرت کمیسیون قوانین مالیه سابق راجع دستور قرار بدهند

رئیس - راپرت کمیسیون سابق را نمیشود مطرح کرد

آقای سرکشیکزاده (اجازه)

سرکشیکزاده - فعلاً عرض ندارم (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

جلسه ۷۶ صورت مشروح مجلس

یوم یکشنبه دهم عقرب ۱۳۰۳ مطابق چهارم ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه هفتم عقرب را آقای اقبال الملک قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای صولت السلطنه (اجازه)

صولت السلطنه - بنده اجازه داشتم مرا جزء غائبین بی اجازه نوشته اند

نایب رئیس - تحقیق میشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای میرزا یزید الله خان (اجازه)

میرزا یزید الله خان - بنده در صورت مجلس عرضی ندارم

نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟

(گفته شد . خیر)

نایب رئیس صورت مجلس تصویب شد . آقای مدرس (اجازه)

مدرس - امروز مبنای بنده براین است که یک تذکری به آقایان و کلاه نمایندگان بدهم نسبت باوضاع خودمان کما

صد نفر که اینجامع میشوند يك حالت خاصه داریم . يك وضعیاتی داریم .

میخواهم تذکر بدهم که ما چه ایم و چه کاره ایم و تکلیفمان چیست نسبت بخودمان و نسبت بوضعیات مملکتی که این نمایندگان نمایندگان آن مملکت هستند و نکته اینست که باین حال ضعف باین خیال افتادم و حال آنکه چیز تازه نیست شاید مطالبی عرض کنم که همه نمایندگان کاملاً ملتفت باشند .

این است که اگر بعد موفق نشوم اداء تکلیف و اداء وظیفه خودم را که یک نفر از آقایان و از نمایندگان هستم عرض کرده باشم .

اصل عرض بنده این است که بعقیده خودم با آقایان تذکر بدهم که این وضعیات حالیه که این مملکت سرتاسرش دارد از صد و پنجاه سال تا بحال همچو وضعیتی نداشته است .

تقریباً از زمان دولت افشاریه تا بحال که امروز باشد مملکت ایران چنین وضعیتی ناگواری نداشته است این مدعای من است .

یک عمرهایی این مملکت وسایر قطعات دنیا و نقطه های مختلفه دنیا اداره میشد با اراده شخصی یک نفر هر قطعه از قطعات دنیا .

یک قطعه دنیا هم این ایران شما بود که شما نمایندگان اهالی آن هستید اراده شخصی در امورات نوعی و امورات اجتماعی حکمفرما بود .

آن اشخاص هم مختلف بودند بعضی اراده قویه داشتند . بعضی اراده ضعیف داشتند بعضی عیاش بودند . بعضی بفکر مردم بودند . بعضی نبودند . اشخاصی مختلف بودند .

لکن هر قسمتی از زمان يك قسمتی از مردم این مملکت خیالشان راحت بود . یکی مقدس بود يك قسمت از مقدسها خیالشان راحت بود . یکی خیلی لالابالی بود يك قسمت از لالابالی ها راحت بودند . یکی عطاداشت يك قسمت از اهل عطار راحت بودند اینها وضعیات ارادی بود .

وضعیات غیر ارادی اتفاقاً طبیعی هم بود مثلاً گاهی گرانی میشد مثل گرانی هشتاد و هشت يك قسمت از مملکت حاصل عمل آمده بود يك قسمت عمل نیامده بود يك قسمت فقیر بودند يك قسمت نبودند .

يك قسمت راحت بودند يك قسمت نبودند و با و طاعون میآمد يك قسمت راحت بودند يك قسمت نبودند

چنگ عمومی میشد شرطش این است شاهزاده (مقصودشان سلیمان میرزا بودند) هم گوش بدهند حاج عز الممالک نمیگذارد

حاج عز الممالک - بنده گوش می دهم

مدرس - چنگ عمومی میشد يك قسمت

از مردم ناراحت بودند ولی من وشاهزاده از بین آنها عبور میکردیم مقصود عرض من این است که شاید شماها از تاریخ ابصر باشید (همینطور هم هست) و بنده يك مسموعاتی داشته باشم .

عقیده من تحت مسموعات خودم یا آنچه در کتابها من باب اتفاق دیده ام باشد اینست که در صد و پنجاه سال این قرون اخیره هیچوقت وضعییت تمام ایران من حیث تمام ایران مثل امروزه ما نبود .

يك گرفتاری خیالی و يك ناراحتی امروزی در سرتاسر ایران حکمفرماست غیر از خودم که خیالم راحتست

نجات - اینطور نیست بی انصافی میکنید .

مدرس - تقصیر کیست . مگر من میگویم تقصیر کیست که تو حرف میزنی . سرمقصر که آمدیم آنوقت حرف بزینده من مقصر را نگفتم حیث نیست ؟ عرض کردم يك دفعه قسمتی آسوده بودند يك قسمت دیگر آسوده نبودند .

دعوی من اینست که امروز تمام ایران علی نهج واحد کسی راحتی خیال و آسایش ندارد و این وضعیات امروزه که در تمام ایران علی نهج واحد است در این صد و پنجاه سال سابقه ندارد . تاریخ داریم . اوضاع داریم جنگ داریم . این دعوی منست .

وقتی که من سرمقصر آمدم آنوقت حرف بزیند . هر چه میخواهید بگوئید صاحبشرا پیدا کنید .

استبداد طول کشید تا بیست سال قبل که یا اشخاص منورالفکر از داخله مملکت بخیال افتادند که امورات اجتماعی این مملکت از اداره شخصی خارج شود و اراده اجتماعی شود و نسبت باین مسئله هر عاقلی که بدرجه اول عقل باشد تصدیق میکند که اداره کردن امور شخصی با اراده اجتماعی اقوی واقعن است تا اداره کردن امور شخصی با اراده شخصی .

این مسئله از بدیهیاتست که اگر من در امورات شخصی خودم مشورت کنم و امورات شخصی خودم را با مشورت اداره کنم اقوی و امتن است تا با اراده شخصی چه رسد با امور اجتماعی و این مسئله از بدیهیاتست استبداد و مشروطه هم اصلاً با هم مناسبت ندارد که بگویند این بهتر است یا آن .

این يك تبانی است و تبانی ضد باضد . نمیشود گفت مشروطه بهتر است یا استبداد . اگر منورالفکر های خودمان باین خیال افتادند که خوب کردند اگر هم دست فقیبی با این خیالشان انداخت خوب بوده خیر خوب از هر کسی برسد خوب است .

لهذا ولو اینکه حقاً تغییر وضع بنا فراهم نشدن زمینه واسباب واستعداد موجب ضعف است (ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدها وجعلوا افراده اهلها اذله) تغییر وضع با عدم فراهم بودن استعداد اسباب ضعف است و در

ایران هم استعداد و زمینه برای تغییر وضع استبداد بشروط فراهم نشده بود ولی از آنجا که جمله اهل ایران که شرقی و بالخصوص مسلمان هستند بر آرامی و برحد و سطوخارج از افراط و تفریط است از این جهت هم ضرر نکرده اند باینکه زمینه فراهم نبود و استعداد تدارک نشده بود بواسطه این دو خلق که یکی شرقی بودن است که مقتضی است مودی نباشد و این از خواص آثار شرقی بودن است که ذاتاً مودی نیست و یکی عقیده اسلامیت .

باینکه زمینه مشروطه حاضر نشده بود بحمدالله تغییر وضع بر ما ضرری نکرد در این ده هجده باده هفده سال بیک مشغی حرکت شد و حرکت کردند و بنده بلااستثناء همه مشروطه چپها را خوب میدانم یعنی تقصیر نکرده که ضرر بمملکت وارد کنند بلی قدمهایی پیش نرفتند یک خدمت های عالی نکردند .

یک اصلاحات فوق العاده نکرده اند لیکن الحق والانصاف ضرری هم در این چندسال بمملکت وارد نکردند .

شاید این عقیده شخص بنده باشد هر وقت بفکر مرحوم ناصرالدین شاه می افتم طلب مغفرت میکنم اما تأسف میخورم که کاش مرورا بحالت خرابی گذارده بود خاک خراب قابل آبادی است ولی وقتی زمین نیست آبادی را کجا باید کرد .

این هفده سال که مشروطه بود گرچه نتوانستیم قدم های اصلاح خوب برداریم ولی الحمدالله ذره هم خاک خراب را از دست ندادیم انشاءالله هر وقت رجال مملکت مردمان وطن خواه موفق شدند هر جا هم خاک خراب است آباد میکنند .

در سفر مهاجرت وقتی که دفعه دوم برگشتیم از بین النهرین آمدیم بمصر (بعضی از آقایان که بودند تشریف دارند) تا ماهی دشت جائی که زیرش بنشینیم ندیدیم .

**نجات** - کی خراب کرد ؟

**مدرس** - روسها لیکن شاگر بودیم که خاک خراب باقی است .

حالا همه ساخته شده است . عرض بنده این است که اصولاً در این چندسال مشروطه یک خرابی وارد نشد بلکه اصول محفوظ ماند و اگر صد گونه اختلاف داشتیم در اصل و مرام متفق بودیم و گمانم این است که از این جهت هیچکدام از هم دیگر ملالت و کسالتی نداشته باشیم و نداریم .

حالا ادارات یک قدری در این چند سال یعنی در این ده یا نوزده سال رفت از صورت اراده شخصی مرحوم استبداد باراده اجتماعی در بیاید شکلا .

حالا از خود میگویم بنده در زمان استبداد هم آخوند بودم تازه آخوند نشده ام بمن مراجعه میکردند اگر خوب بودم خوب مراجعه میکردم اگر بد بودم بد مراجعه میکردم

چیزی مینوشتیم میبردند دارالحکومه پولی از آنها میگرفتند آن حکم را اجرا میکردند پول را میگرفتند میگفتند بلی حکم آقای حجت الاسلام است باید اجرا شود اگر پول نمیدادند میگفتند برو فردا بیا برویس فردا بیا و بهمین طریق او را سر میدواندند این ترتیب جرین استبداد بود و اگر غیر از این هم بود استبداد معنی نداشت آمدن زمان مشروطه بسیار خوب میآید پیش من میگویم بابا باید بروید عدایه عارض شوید از آنجا ارجاع کنند آخر ترتیب اجتماعی شده است میرفتند و میآمدند دوسه مرتبه از اینجا بانجا و اراده اجتماعی در یک کار شخصی مدخلیت پیدا میکرد .

از باب مثل است عرض میکنم که از اراده شخصی و استبداد بیرون آمد و اداراتی هر کدام به یک اسم یکی وزارت داخله یکی اداره کجا . یکی اداره کجا . می اداره درست کردیم معنی اراده اجتماعی هم این است بنده به عقیده خود با وجود انکار اشخاص مناسب این وضع کاملاً بقدر کفایت پیدا نشدند . تربیت نشده بودند .

بغیر از اطباء که آقای امیر اعلم اوقاتشان تلخ نشود آنها بقدر کفایت پیدا شدند ولی در باقی ادارات بقدر کفایت پیدا نشد و در ادارات اراده اجتماعی که معنی مشروطه بود کاملاً بجزریان نیفتاد .

آقا بنده عقیده ام بر این است که با این بی بضاعتی هم باز بر عقب نماندیم . البته امورات تدریجی است ولی من گمانم این است آن دست غیبی که همراه بود که ما مشروط شویم از این مشروطه خیری ندیده جسارت به آقای دست غیب نمیکنم زیرا ایشان در دور است و کیل اندو انشاءالله تا آخر عمرشان هم و کیل خواهند بود .

چون عرض کردم و اول عنذر خواستم مزاج خیلی کاهیده شده است مجبوریم آنچه در قلم است عرض کنیم که اگر عمر وفا نکرد باشما هاهم عقیده باشم و یک تذکری باشد برای شما که یک روز رفیق ما در مجلس اینطور گفت من خیال میکنم آن نظرهائی که در تغییر وضع (که فخر اضعف آوراست) از ما داشتند بآن امیدها موفق نشدند آمدند مثلاً قرارداد درست کردند . دستی از غیب بیرون آمد و بر سینه نامحرم زد و هکذا و هکذا نشد .

التماتوم کردند خاطر آقایان است بعضی از آقایان در آن دوره وکیل بوده اند و در همین مجلس بوده اند با آن اوضاع ناگوار .

اگر خود یکی از آنها نبودم عرض می کردم خیلی مردمان مستقیمی بودند . مشروطه نرسیده . و کلای نرسیده و دولتهای رسیده التماتوم رسیده بکنند و این نارسیده ها

مقاومت کنند البته در آتیه . اگر چه حالاً نه وکیل قدر وکیل را می داند نه ملت قدر مگر کل را میشناسد لیکن در یک زمانهایی که بخواهند بفهمند ملتفت میشوند که آنها یا عقیده سیاسی شان خیلی محکم بوده یا عقیده وطن خواهی شان خیلی محکم بوده یا عقیده دیانتی شان خیلی محکم بوده یا همه عقایدشان خیلی محکم بوده که در مقابل آن فشارها استقامت کردند .

چیزیکه ما را باین روزگار امروزه انداخته است آن کارها و استقامت های آنروزی است (بعضی از نمایندگان صحیح است) بنده خیال میکنم هر کس متن قرارداد را مطالعه کرده باشد چون من اهل سیاست نبودم مرور نمی کردم اگر چه یکی از مخالفینی بودم لیکن هر چه می گفتند که این قرارداد کجاش بد است می گفتم من سر در نمی آوردم من سیاسی نیستم آخوندم فقط چیزیکه می فهمم بد است آن ماده اولش است که میگوید ما استقلال ایران را می شناسیم (خنده نمایندگان) این مثل این است که یکی به من بگوید من سیادت تو را می شناسم .

هی به من میگفتند جهت مخالفت شما چیست کدام یک از موازین بد است ما آن را تغییر بدهیم میگفتم من سیاسی نیستم میدانم ما رجال سیاسی خیلی داریم باید به آنها رجوع کرد ولی با اینکه سیاسی نیستم و سراز این کارها در نمی آورم این یکی را می فهمم بد است لیکن اگر کسی خوب غوارسی می کرد و روح آن قرارداد را می فهمید و دو چیز استنباط میکرد .

واو این بود که ایران تماش مال ایرانی است مالش . حالش . حیثیتش چه اش چه اش همه چیزش متعلق به ایرانی است فقط این قرارداد در دو چیزش دیگری را شرکت میداد یکی پولش یکی قوه اش

این روح قرارداد بود اختصاص ما هم ندارد متجدد المال در تمام دنیا است و همانطور که عرض کردم اهل ایران با وجود اینکه خارج از سیاست و با وجود اینکه آشنا به سیاست نبودند الحق والانصاف بالطبع مخالف بودند این که یک زیدی مثلاً بگوید من مخالف بودم من مخالفت کرد . حسن مخالفت کرد . حسین مخالفت کرد . خیر عمده طبیعت ملت بود که مقاومت کرد قوه ما طبیعت ملت است که میتواند مقابلی با هر چه بکنند و با هر تهاجمی مقابله کند (نمایندگان صحیح است) مجلس شورای ملی که عبارت از صد نفر وکیل اند همه وطن خواه همه صاحب عقیده محکم همه اسلامی .

همه سیاسی ولی در صورتی مقاومت با دنیا میکنند که بالطبع ملت با آنها موافق و پشتیبان آنها باشد من یک نفر از شما هستم و اینجا در حضور آقایان صحبت

میدارم میگویم و امیدوارم موافق عقیده خودم هم بگویم که اگر تمام دول دنیا برخلاف من باشد و قلوب مردم بالطبع با من باشد من به تنهایی مقاومت میکنم چه جای اینکه صد نفر وکیل هم عقیده باشد . پس قوت ما توجه قلوب عامه است .

در حقیقت همینطور که عرض کردم آن قرارداد که روحش این در مسئله بود در حقیقت یک قسمتی بود و برای اینکه آزرده نشوید نظیر آن قسمت گر به براق و استر جموش بود قرارداد هم یک همچو قسمتی بود که استر جموش مال دیگری و گر به براق مال خودمان و حقیقه نفس الامر ملت ایران نخواهند بدهند .

من خیال میکنم به این چیزها و به این حوادث منور الفکرهای چندان از مشروطه چیزی دیدند بعضی افسرده شدند بعضی ملول شدند .

بعضی را کنار گذاشتند و آن قسمی که باید منور الفکرها روز بروز در تزیاید باشند و حرکت عشقی بکنند مثل اول تصدیق بفرمائید نکرده اند آن عشقی که روز اول داشتیم بنده خودم بلی خودم را می گویم و بعضی از رفقا را اگر مثل آن روز که توی چله زمستان و برف بکنند دوزخ من ؟ بعضی از آقایان که حاضرند سفر کردیم حالات اتفاق بیفتد آن عشق را شاید نداشته باشیم .

خیلی از آقایان تشریف دارند بخاطر بیاورید اوضاع آن روز را حمله استر آباد محمد علی میرزا و سالار الهوله و آن وضعیات که سی هزار تر کمن آمدند تا هفت هشت فرسخی طهران و عده مجاهدین که بسبب فقر نمرسد قوه ما بود در همین اطاق و آن اطاق شب و روز ایستادگی می کردیم آن عشق در من و شما هست ؟ گمان نمیکنم و کیف کان مقصود بنده این است که مقاومت کردیم مملکت را نگاهداری کردیم آسوده اجتماعی را که حقیقت مشروطه است نگاهداری کردیم کارها را اداره کردیم امام میخوام عرض کنیم هر چه میخواید بگوئید بگوئید امروز اثری از آن مشروطه نیست .

(همه نمایندگان)

خیال میکنم شما از کسی ملاحظه دارید بخدائی که مرا خلق کرده است من سردار سپه را از اکثر شما بیشتر دوست میدارم این حرفها را بگذارید این جامه مسئله حساب است سفره را بپهن کنید به بینم در سفره چیست میخوایم بفهمیم که امروز وضعیات مملکت ما وضعیات ما که این جا نشسته ایم و و کیلیم نسبت باین مملکت چه وضعیاتی است ؟

آداره مشروطه ما کدام اداره است ؟ این مجلس ما مشروطه است ؟ آن اداره مشروطه ما کدام است ؟ حالا بنده آدم این جا گفتم بلدی چه اذکارا خراب کرد





برای هدایه بنویسند .  
اشکال کم در این است و همانطور که آقای حاج میرزا عبدالوهاب در طی عبارت فرمودند گمان نمیکنم موکلینی که ماها را وکیل کرده اند نمایان اختیار را با داده باشند و ما را اینطور مختار کرده باشند که بیک همه پنج شش نفری اجازه بدهیم که قانون بنویسند و بالاخره ما را وکیل در توکیل کرده باشند .  
فلسفه نماینده اینست که وکیل موکل باشد و خودش قوانینی که لازمست وضع کند نه اینکه یکمده صد و ده نفری به پنج نفر اجازه داده و بگویند شما بروید برای ما قانون بنویسید فلسفه مجلس غیر از این است .  
حالا بنده که عضو کمیسیون عدلیه هستم یا نیستم (گرچه نیستم) مربوط مسئله نیست و گمان ندارم این اختیار از طرف موکلین ماها داده شده باشد که بچند نفر اجازه قانون نوشتن بدهیم و خودمان مواد آن قانون را بنویسیم و ندانیم که برای مانع دارد یا ضرر و این مسئله با فلسفه و اصل نمایندگی درست در نمیآید حالا شاید در میانه این دوازده نفر چند نفر یا همه متخصص، فقیه و عالم باشند و حقوق بین الملل هم خوانده باشند .  
اما از کجا نظرش باشد مثل آقای شیخ محمد علی طهرانی که فرمودند قاتل راست راه میروند و نمایانند با آنچه معامله میکنند .  
از مثل آقای طهرانی بعید است که همچو فرمایشی بفرمایند .  
اصلا قاتل چرا باید راه برود زیرا بموجب تمام قوانین دنیا قاتل را باید کشت پس از فلسفه ؛ که چون قاتل راست راه را میروند و کسی معترض او نیست و او را نمیکشند از این جهت باید به پنج نفر اختیار داد که قانونی برای مجازات او وضع کنند وارد نیست این مسائل را نباید مخلوط کرد راه رفتن قاتل هیچ مستلزم این نیست که به پنج نفر اختیار و اجازه بدهند که قانون وضع کنند .  
پس بنا علی هذا بنده عقیده ام این است که اولاً معلوم نیست ما همچو اختیار را داشته باشیم بعلاوه این اندازه که گفته میشود محتاج الیه است اینقدر هائست و ضرری ندارد که هشت نه ماه دیگر طول بکشد تا این قانون از مجلس بگذرد و مجلس هم گفتی از وضع قانون کاری ندارد .  
اول کار و وظیفه مجلس وضع قانونست منتهی در کار باید قسری تسریع کرد باین معنی که اگر سه جلسه کم است پنج جلسه و پنج جلسه کم است شش جلسه قرار بدهید و سعی کنید تا این قانون در ظرف هشت نه ماه از مجلس بگذرد  
وزیرم .  
برای تمام امورات و برای هر فردی

از افراد که آقایان تصور میکنند ما قانون داریم .  
آقای تهرانی میفرمایند بواسطه این که قانون نداریم قاتل دارد بدون مجازات راه میروند یادزد راه میروند در صورتیکه ما تمام قوانین را داریم و قانون مجازات ما مرتب است .  
حتی در فروعات قهقی مجازات برای یک نفر آدم که یک کلمه حرف بد که مخالف حالت اجتماعی بوده زده است معین کرده اند .  
کسی مخالف نیست با اینکه مکاتم وزارت امور خارجه منحل شود البته باید منحل شود نهایت اینکه مقصود مخالفین این است که نیایستی این اجازه به پنج نفر یادوا زده نفر داده شود .  
این فلسفه ندارد ، منطقی ندارد ، یرهان ندارد .  
این بود عرایض بنده کفایت کرد  
**نایب رئیس** - آقای آقا سید یعقوب .  
( اجازه )  
**آقا سید یعقوب** - یک مسأله را آقای آقا سید دست غیب فرمودند بنده خواستم جواب فرمایشات ایشان را بعرض آقایان برسانم .  
بلی در مقام صحبت ما میگوئیم راه در مملکت لازم است ولی در موقع گرفتن مالیات میگوئیم مالیات ندهیم میگویند باید در مملکت مجازات باشد و مردم مجازات بدهند ولی در موقعیکه میخواهند قانون مجازات بکشند می گویند خیر .  
آقا مردم ظلم میشود خوب آقا این هائی که میفرمائید در مقام لفظ مسلم است در مقام لفظ بقدری الفاظ مشتمع داریم که در مقام اصلاحات در ظرف یک ساعت ایران را از اتزام ملل متمدنه میگدرانیم ولی در موقع عمل میبینیم از هر جهت ما فقیرم فقر علی داریم ، فقر ثروتی داریم ، فقر قانونی داریم .  
آقا مملکت ایران دارای مشروطیت شده است . دارای قانون اساسی شده است و ملت برای وضع قوانین و اداره کردن مملکت و کلائی روانه کرده اند تا این که قانون برای اداره زندگانشان وضع کنند  
دنیای بهم مرتبط شده است بلی یک وقت ایران خراب از دنیا نداشت ولی امروز دنیا مثل رشته زنجیر بهم ارتباط پیدا کرده است .  
بعد از آنکه ما بهم اینطور ارتباط داشتیم ناچاریم قوانین مرتبط با دنیا که بتوانیم با آن ها معاشرت کنیم وضع بکنیم  
**دست غیب** - نه ناچار نیستیم . ما قانون آسمانی داریم

**آقا سید یعقوب** - صبر کنید آقا اینند شما حرف زدید بنده گوش دادم و نگاهم بچشم مبارکتان بود . اولاً این دوازده نفری که معین میشود در کمیسیون بسته نشده است  
**دست غیب** - بسته است  
**آقا سید یعقوب** - ماها که نماینده هستیم موادی که در نظر داریم ممکن است برویم بکمیسیون و نظریات خودمان را با آنجا بگوئیم و موادی که از آنجا میگذرد می توانیم ببینیم  
مخالف با قوانین اسلام است یا موافق و مطابق معمول دوره چهارم قانون راجع می کنند و منتشر میکنند پیش آقایان علماء پیش علماء حقوق و غیره منتشر می کنند بنده از شما سؤال میکنم این لایحه را که دولت بمجلس داده وقت فرموده اند ؛ وقتی که ما حاضر نیستیم نظریات خودمان را نسبت بقوانین موضوعه اظهار کنیم مربوط یکسری نیست  
قانون راجع می کنند آتوقت ممکن است نظریه خودتان را در حاشیه آن قانون بنویسید بفرستید بکمیسیون کمیسیون که عندا ندارد مقصود این است که برای اصلاح مملکت قانون وضع و در مملکت اجرا شود .  
اعضاء کمیسیون که دشمن نیستند تمام نظرشان نظر اصلاحی است .  
یک مسئله دیگر که آقای بهبهانی اظهار کردند خواستم ایشان را متوجه کنم تمام قوانینی که از مجلس میگذرد موقتی است و این مسلم است این قوانین چه از مجلس و چه از کمیسیون از هر جا که بگذرد  
برای مملکت موقتی است و دائمی نیست چرا برای اینکه قوانینی که بشر برای زندگی خودش وضع میکند موقتی است زیرا یک عده مصلحت را میجویند و یا برای موقعیت خودشان یک قوانینی وضع می کنند یک عده دیگر می آیند نفومی میکنند برای این که صلاح و صرفه آنها مقتضی آن نبوده و آثار تغییر میدهند .  
قانون آسمانی نیست که قابل تغییر نباشد هر قانونی که از مجلس بر کمیسیون گذشت موقتی است مثلا اجازه میدهند ده نفر بیایند و بنشینند برای شورای دولتی قانون بنویسند  
معلوم است این قانون موقتی است و موقتا اجرا میشود هیچ نوع بشر و مجمع بشری نمیتواند قانون دائمی وضع کند چرا برای این که در بهاران زادومرگش دردی است .  
زمان زندگی بنده چهل سال است چه طور میتوانم صدسال را ببینم و قانون برای صدسال دیگر وضع کنم بنده نمیخواهم وارد شوم در خصوصیات

مثلا همین آقای آقا سید محمد علی ( چون آقای دست غیب اظهار نگرانی کردند عرض میکنم یکی از مدرسه های مدرسه مروی بوده اند و کتبی در قفسه بفراسی و عربی چاپ کرده اند همین آقای آقا سید عبدالرحمن که اینجا تشریف دارند از مرحوم آخوند ملا محمد کاظم و مرحوم آقای آقا سید محمد کاظم اجازه دارند همین آقایان از قضا هستند  
و از حیث قهقی که شما متوجه بآن هستید آنها هم متوجه هستند و جهات سیاسی آنها هم متوجه میباشد با این مطالب نظریات اصلاح طلبانه ما اینست که این قوانین موقتی برای آزمایش اجازه داده شود مثلاً دوره چهارم از کمیسیون عدلیه گذشته و بموقع اجرا گذاشته شود اگر اصلاحی داشتیم ممکن است پیشنهاد کنیم تا دورته تجدید نظر کنند  
**جمعی از نمایندگان** - مذاکران کافی است  
**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟  
( اظهاری شد )  
**نایب رئیس** - در قفسه پیشنهاد رسیده است قرائت میشود  
( پیشنهاد آقای مدرس و آقای دامغانی بشرح ذیل قرائت شد )  
بسم الله الرحمن الرحیم ؛ پیشنهاد می کنم لوایحی که بکمیسیون عدلیه ارجاع میشود بدوایک شور پشور و بعد از آن طبع و توزیع شود میان آقایان و کلا هر کدام در مدتی که کمیسیون معین مینماید نظریات خود را بکمیسیون بدهیم و کمیسیون با جلب نظر شورائی بنماید و نتیجه موقتا بموقع اجرا گذارده شود تا مجلس بفرات در آنها نظر نماید  
مدرس  
ماده الحاقیه ذیل زایش نهاد مینماید ماده - الحاقیه - پس از تقدیم لایحه دولت که مربوط بکمیسیون عدلیه است لایحه طبع و توزیع میشود و نمایانگان حق دارند نظریات خود را راجع بان لایحه تأییکام بکمیسیون عدلیه بدهند و کمیسیون تحت مطالعه بگذارد و نیز تمام نمایانگان حق دارند که در کمیسیون مزبوره حاضر شوند و نظریات خود را جدیداً در روز ب کمیسیون بدهند  
رضاء دامغانی  
**نجات** - پیش نهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شود  
( بمضمون فوق قرائت شد )  
**نایب رئیس** - آقای مدرس ( اجازه )  
**مدرس** - هر مسئله که در مجلس امروز میآید یک چیز هائی از طرفین در حدودش گفته میشود افراط و تفریط است این جا چندتا افراط و تفریط در این مسئله گفته

شد و لاایشتهاد بنده را که همه آقایان مستحضر شده اند .  
یکی این که قانون را باید آما مجلس بگذراند یا گمان دیگر هم میتوانند این از بدیهیات است که مجلس باید وضع قانون کند تا مجلس نظر نکند عنوان قانونیت ندارد .  
این حرف را نزدیک و ملاحظه کنید که اگر این مسئله گفته شود ( در آن دوره هم همین چیز ها گفته شد ) یک اشکالاتی در آتیه تولید می کند که آنوقت شما نمیتوانید از عهده بر آئید  
قانون وقتی عنوان قانونیت پیدا میکند که مجلس تصویب کند  
مسئله در این است که اگر بنا شود بعضی یا تمام قوانین که محتاج مملکت است بیاید در مجلس و درش نظریاتی شود غالباً تجربه کرده ایم خرابتری شود طول هم می کشد  
البته باید بتدریج کارها را در امتحان هم کرد عیب و نواقص را هم فهمید و رفع کرد تا یک چیز خوبی شود و مردم عمل بکنند  
از جمله قانون عدلیه است که میدانند قوانینی گذشته است از کمیسیون عدلیه بعدش هم آقای مشیرالدوله که تشریف دارند در آن قانون مکاتم خود هم بود ماده بود که هشتم تریه در کمیسیون مطرح مذاکره شد این است که بنده این پیشنهاد را کردم  
اما مسئله علماء و طرز البته از بدیهیات است ولی همانطور که گفتند نباید خلط با محبت دیگر کرد این پیشنهادی که بنده کردم مها ممکن مترصدم که هر چه زود تر نظریه آقایان که آن سه جهت منظور نظر آقایان است .  
ملفوظ شود یکی جهت دیانتی . یکی سیاست . یکی مقتضیات  
لهذا میگویم کمیونی که این قانون میرود آنجا یک شور در آن بکنند با نظریات خودش آنرا طبع و توزیع کند .  
هر مدتی که معین میکند بر حسب مواد آن قانون در روز بیست روز یا کم یا زیاد آنرا طبع و توزیع کند و با آقایان و کلا بدهند و آقایان و کلا نظریات خودشان را بنویسند  
که در شور تانی از نظریات آقایان و کلا اعضای کمیسیون مستحضر شده و با جلب نظریات آنها یک قانون موقتی مثل سایر قوانین بنویسند و موقتا اجرا کنند تا عیب و نقص آن در موقع عمل معلوم شود تا مجلس در موقع از عمل فراغت پیدا کند و انشاء الله الرحمن با فراغت بال و با فراغت خاطر و خیال مجلس یک قوانینی که محتاج الیه مردم است و بی عیب و نقص باشد وضع کند و آن قانون البته باید مجلس و نظریات آقایان و کلا ملاحظه شود از این جهت

بنده برای جمع بین نظریات همه آقایان با این پیشنهاد را کردم  
**مخبر** - بنده اساساً با پیشنهاد حضرت آقای مدرس موافقم زیرا بالاخره منتهی می شود بتحصیل همان تشایحی که آقایان نمایندگان برای رفع حوائج مملکتی در نظر دارند  
ولی يك مطلبی که می خواهم بآقای مدرس تذکر بدهم و آن اینست که این خبر راجع است باین که لوایحی که از طرف دولت پیشنهاد میشود بعد از تصویب کمیسیون دولت و مجازات آنرا اجرا کند  
پیشنهاد حضرت تعالی بیان کیفیت رسیدگی آتاری می کند  
از این نقطه نظر بنده تقاضا میکنم موافقت با این لایحه شود و در کمیسیون پیش نهاد آقا عملی شود باین معنی که .  
**بعضی از نمایندگان** - ( بطور همه ) خبر رای بگیرند  
**مخبر** - اینجا اشتباه نشود بنده در نظر ندارم که این مشکل قانونی پیدا نکنند این پیشنهاد را اساساً قبول دارم و این مسئله راجع است بکیفیت رسیدگی خواستم عرض کنم که آیا کیفیت رسیدگی کمیسیون با این قانون معاً بایستی تصویب بشود . . . .  
**جمعی از نمایندگان** - بلی بایستی صورت قانونی پیدا کند  
**مخبر** - بسیار خوب بنده قبول میکنم  
**نایب رئیس** - اجازه میفرمائید بچند دقیقه تنفس داده شود  
**جمعی از نمایندگان** - خبر رای بگیرند  
**معاون وزارت عدلیه** - این پیشنهاد را که آقای مخبر قبول کردند دولت هم قبول میکند و این ماده دوم می شود یا به عنوان تبصره  
**نایب رئیس** - یک پیشنهادی آقای عدل الملک کرده اند قرائت میشود  
( بشرح ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم که پیشنهاد حضرت مدرس افزوده شود ؛  
که نمایانگان بایستی در مدت يك ماه نظریات خودشان را پس از انتشار لایحه شور شده در کمیسیون بکمیسیون بدهند و بعد از گذشتن يك ماه کمیسیون دیگر منتظر نشده شور تانی را مستقلاً شروع میکند و قانون موقتی را خاتمه میدهد  
**نایب رئیس** - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای بهبهانی رسیده است قرائت میشود  
( بشرح ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم که لوایح مرحله بکمیسیون عدلیه بجای شورای ملی ارجاع و پس از يك شور بقید فوریت تصویب شود

**نایب رئیس** - آقای عدل الملک ( اجازه )  
**عدل الملک** - اینجا غلب اظهار نگرانی میکنم از اختیار دادن بجماعی و عقیده شان این است که آقایان و کلا عاید در قوانین اعمال نظر کنند و پیشنهاد آقای مدرس این مسئله را تأمین میکند باین معنی که لایحه طبع و توزیع میشود و آقایان نمایندگان هر کدام نظریه دارند نظریات خودشان را بکمیسیون میفرستند و کمیسیون آنها را تأین میکند  
ولی پیشنهاد ایشان مدت ندارد و مدتش نامحدود بود و ماعلاقه داریم که این قوانین زودتر بگذرد و مذاکراتی هم که در اینجا شد روی همین زمینه بود بنده خواستم این قسمت هم در پیشنهاد آقای مدرس اضافه شود که وقتی این لایحه منتشر شد و مدتش هم معین باشد باین معنی در ظرف مدت معینی آقایان نمایندگان نظریات و عقاید خودشان را به کمیسیون بدهند .  
**معاون وزارت عدلیه** - در پیشنهاد آقای مدرس این نکته قبدهست ممکن است يك وقت لایحه یا نصد ماده باشد خود کمیسیون آن مدت را معین می کند آقا بیان نظریات خودشان را بدهند و اگر ندادند کمیسیون داخل شور دوم میشود .  
**عدل الملک** - پس دیگر مانعی ندارد بنده مسترد میدارم  
**نایب رئیس** - آقای دامغانی ( اجازه )  
**شریعت مدار دامغانی** - پیشنهاد بنده هم مرجعش همان پیشنهاد آقای مدرس می شود و بنده پیشنهاد ایشان را قبول میکنم  
**نایب رئیس** - آقای بهبهانی ( اجازه )  
**بهبهانی** - این پیشنهاد بنده باز راجع بهمان عقیده خود بنده است  
**یک نفر از نمایندگان** - قرائت شود .  
**آقا میرزا سید احمد بهبهانی** - بعضی از آقایان اظهار میکنند که نشینده اند خوبست قرائت شود  
**یک نفر از نمایندگان** - لازم نیست توضیح بدهیم  
**بهبهانی** - توضیح بنده این است که بنده پیشنهاد کردم لوایحی که بکمیسیون عدلیه ارجاع میشود آن لوایح بیاید بمجلس بلیك شور بقید فوریت رای گرفته شود .  
**یک نفر از نمایندگان** - بقوریت آن رای داده شده  
**بهبهانی** - خوب شما مخالفید باشید ولی بنده از روی قانون اساسی تصور می کنم که ماحق نداریم این رای را بدهیم

بجهت این که اصل دوم قانون اساسی بنویسد ؛  
مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند ؛  
اصل شانزدهم میگوید باید کلیه قوانینی که برای تشبیه مابانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه هالازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد  
این یکی از مواد قانون اساسی است که میگوید باید قوانین را خود مجلس شورای ملی تصویب کند  
و این مطلب هم خارج از این که عنوان نیست یا یکی از مسائل مربوطه بوزارت خانه هاست یا راجع بانتظام امور مملکتی و یکی از موارد قانون گذار است هر چه باشد باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد .  
**کمیسیون حق ندارد بنتهائی این قانون را وضع نماید** .  
و اما اینکه گفته میشود سابقه اینطور بوده است اگر نظر آقایان باشد در این امر مذاکره شد بالاخره رای گرفته شد اموری که سابقه شده و برخلاف نظامنامه است و قانونیت ندارد و جاری نخواهد بود بنابر این تصور می کنم سابقه راهم نمیشود رسمی گرفت و عملی کرد و بموجب این ماده هم مجلس باید در امور سیاسی و معاشی مملکت و وزارتخانهها نظر داشته باشد بنابر این باید بمجلس بیاید  
**نایب رئیس** - رای می گیریم به پیشنهاد آقای بهبهانی آقایانی که موافقت قیام فرمایند .  
**نایب رئیس** - تصویب نشد . رای میگیریم به اصل ماده و تبصره که اضافه شده .  
**یاسائی** - بنده پیشنهادی دارم ( تسلیم و بشرح ذیل قرائت شد )  
**نایب رئیس** - آقای یاسائی ( اجازه )  
**یاسائی** - چون می خواهم اختیار بدهم بکمیسیون عدلیه که این قانون را بگذراند سابقه هم دارد  
قوانین از کمیسیون عدلیه گذشته و اجرا هم شده حالا اگر بخواهیم بتلایحی از نمایانگان قانون معا که وزراء این پیشنهاد کنند و مجلس تصویب نماید البته بدیهی است گذرانند آن قانون در مجلس طول نخواهد کشید .  
بقیعه بنده از طرف دیگر نمیشود حق پیشنهاد را از کلا سلط کرد و نمیتواند طرحهای قانونی پیشنهاد کنند بنابر این بنده عقیده ام این است و اشکال هم ندارد که طرحهایی هم که از طرف آقایان و کلا راجع باین موضوعات و اصلاحات قوانین

عدلیه پیشنهاد میشود در آنها هم کمیسیون  
عدلیه نظر کند

**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد  
آقای یاسائی آقایانیکه موافقت قیام  
فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب نشد . رأی  
میگیریم به اصل ماده . قرائت میشود  
(بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است  
کلیه قوانین را که در دوره پنجم تقنینیه  
بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا مینماید  
بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای  
ملی بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش  
آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان  
ممکن است معلوم شود تکمیل و تانیاً برای  
تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .  
تبصره - لوایحی که بکمیسیون عدلیه  
ارجاع میشود بدوایك شور بشود و بعد از  
آن طبع و توزیع شود میانه آقایان و کلا  
هر کدام در مدتی که کمیسیون معین مینماید  
نظریات خود را بکمیسیون بدینصورت کمیسیون  
با جلب نظریات شورتانی بنماید و نتیجه  
موقتاً بموقع اجرا گذارده شود تا مجلس  
بفراغت در آنها نظر نماید

**مدرس** - بنده يك اصلاح عبارتی  
است که میخواهم عرض کنم بعقیده بنده  
باید بجای لفظ قوانین لوایح نوشت عنوان  
قوانین در پیشنهاد صحیح نیست

**یکتفر از نمایندگان** - لوایح قانونی  
نوشته شود .

**مخبر** - بنده قبول میکنم این اصلاح  
را .

**معاون وزارت عدلیه** - آن قسمتی  
که بعنوان تبصره اضافه شده است باید  
در آن يك اصلاح عبارتی بشود و آقای مخبر  
مشغول اصلاح هستند

**نایب رئیس** - آقای ضیاءالواعظین  
(اجازه)

**ضیاءالواعظین** - بنده در این تبصره  
يك اشکالی مبینم و نمیدانم . . .  
**نایب رئیس** - مذاکره در تبصره ختم  
شده است .

**ضیاءالواعظین** - فقط يك سؤال  
در تصریح موضوع است بنده میخواهم  
عرض کنم نظریات نمایندگان که بکمیسیون  
میرسد چه قسم نظریاتی باید در آن بنماید  
آیا کمیسیون اگر رد کند مختار است یا  
خبر بنظر پیشنهادی در آن نظر میکند  
اگر نظر پیشنهادی کمیسیون بآن  
میکند صحیح است و بنده با نظر پیشنهادی  
موافقم و قبول میکنم

**یکتفر از نمایندگان** - نظر پیشنهادی  
است .

**نایب رئیس** - آقای شیخ الرئیس  
(اجازه)

**بعضی از نمایندگان** - رأی  
بگیرید .

**محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** -  
چون این سؤال را کردند بنده هم ناچارم  
عریضی عرض بکنم

اول مطلب ساده بود این اشکال را  
که آقای ضیاءالواعظین کردند اسباب  
سوءظن شد در آنجا نوشته بادر نظر گرفتن  
آراء و عقاید نمایندگان ما هم اینطور رأی  
میدهیم نه اینکه کمیسیون بخواهد همه نظریات  
آقایان را رد کند

**نایب رئیس** - اصلاحیکه در ماده و  
تبصره شده است قرائت میشود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است  
کلیه لوایح قانونی را که در دوره پنجم تقنینیه  
بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا  
مینماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس  
شورای ملی بموقع اجرا گذاشته شود  
تکمیل و تانیاً برای تصویب بمجلس شورای  
ملی پیشنهاد نماید

تبصره - لوایح مزبوره فوق در  
کمیسیون عدلیه مطرح و پس از شور اول  
طبع و توزیع خواهد شد کمیسیون مدتی  
را معین خواهد کرد که نمایندگان نظریات  
خود را در موضوع لایحه بکمیسیون بدهند  
و شور دوم پس از انقضای مدتی که معین  
شده است بعمل خواهد آمد

**مدرس** - اجازه میفرمائید سطر آخر  
پیشنهاد بنده را که موقتاً بشود بهکلی  
انداخته اند .

**مخبر** - بنده قبول میکنم ولی موقتاً  
در اصل ماده هم هست

**مدرس** - بسیار خوب  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم بماده با  
اضافه این تبصره آقایانی که موافقت قیام  
فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد . آقای  
تدین پیشنهاد نموده اند جلسه ختم شود  
**بعضی از نمایندگان** - صحیح  
است .

(جمعی از نمایندگان حرکت کردند و  
از مجلس سارج شدند)

**نایب رئیس** - بگذارید دستور معین  
شود جلسه آینه روز سه شنبه سه ساعت و  
نیم بظهر دستور بقیه دستور امروز است  
آقای عز الممالک

(اجازه)

**حاج عز الممالک** - بنده میخواستم  
عرض کنم . . . عجب آقایان چرا اینطور  
هستند؟! تا رئیس بلند نشده چرا آقایان  
خارج میشوند؟!؟

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر  
ختم شد)

**نایب رئیس** مجلس شورای ملی  
**سهام السلطان**  
منشی - **علی اقبال الممالک**  
منشی - **معظم السلطان**